

## اکوتوریسم

گردآوری و برگردان: آرش نظری/مهوش قزوینی

عکس‌ها: رضا نوری

زیبایی، ظرافت و آسیب‌پذیری طبیعت برانگیزد. این منتقدان برخی از فعالیت‌های صدمه زنده به محیط طبیعی را محکوم می‌کنند و آنها را نوعی سبزدایی (greenwashing) می‌دانند. اگر چه از لحاظ علمی و آکادمیک در مورد تعریف اکوتوریست اختلاف نظرهایی وجود

اکوتوریسم که توریسم بومی شناختی (ecological) نیز نامیده می‌شود شکلی از گردشگری است که جاذبه‌های اکولوژیکی و منحصر به فرد اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. به عبارت ساده‌تر، اکوتوریسم، مسافرت کردن دلوطلبانه افراد به جاهایی است که میراث طبیعی (گیاهی و جانوری) و فرهنگی آنها به عنوان جاذبه‌های اول مطرح باشند و چنین گردشگری با این سفرها راه‌های زیستن

مطلوب در کره خاکی را یاد می‌گیرد. اکوتوریسم مسئول و متعهد شامل برنامه‌هایی خواهد بود که کمترین اثرات منفی را که در توریسم معمولی دیده می‌شود بر محیط به جا گذارد و در عین حال فرهنگ عموم مردم محلی را بهبود بخشد. بنابراین در اکوتوریسم نه تنها عوامل مهم محیطی و فرهنگی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، بلکه برنامه‌های پیشبردی و کاملی برای چرخه‌های بازیابی از طبیعت، بهره‌وری از انرژی، حفاظت از منابع آبی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای جوامع محلی، نیز به طور جدی مورد توجه قرار می‌گیرند.<sup>[۱]</sup>

## معیارها:

در حالت ایده‌آل، اکوتوریسم باید بتواند معیارهای زیر را برآورده کند:

- محافظت از تنوع بیولوژیکی و تنوع فرهنگی از طریق محافظت اکوسیستم‌ها.
- بهبود برداشت پایدار از تنوع زیستی از طریق ایجاد اشتغال برای افراد محلی.
- تقسیم منابع اقتصادی حاصل از اکوتوریسم با جمعیت‌های بومی و مردم محلی از طریق جلب رضایت آنها در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و امور مدیریتی مربوط به اکوتوریسم.
- توریسم در جاهایی که منابع طبیعی آن دست نخورده و بکر باشد به شرط داشتن کمترین تأثیرات زیستی از اولویت‌های بالاتری برخوردار خواهد بود.
- به حداقل رساندن خسارات و تأثیرهای منفی گردشگری.
- توانایی و فراهم کردن امکاناتی برای کاهش میزان ضایعات تجملی و امروزی.
- فرهنگ‌های محلی، کلیه گیاهان و جانوران جزو جاذبه‌های اصلی در اکوتوریسم هستند.

برای بسیاری از کشورها، اکوتوریسم صرفاً یک فعالیت جنبی و ساده اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در حفاظت محیط اکولوژی نبوده بلکه یک

صنعت بزرگ در اقتصاد ملی محسوب می‌شود. برای مثال در جایی مثل کاستاریکا، اکوادور، نپال، کنیا، ماداگاسکار و قطب جنوب، اکوتوریسم در فعالیت‌های اقتصادی و تولید ناخالص بومی این کشورها سهم چشم‌گیری داشته است.<sup>[۴،۵]</sup> مفهوم اکوتوریسم تا حد زیادی خوب درک نشده است و در عمل از آن به عنوان یک ابزار بازاریابی برای بهبود و ترقی توریسمی که با طبیعت در ارتباط است، استفاده می‌شود. منتقدان ادعا می‌کنند که اکوتوریسم در عمل می‌تواند مورد سوء استفاده واقع شود از استقرار یک هتل بر فراز یک چشم‌انداز جذاب گرفته تا ضرر و زیان‌های متعددی که به اکوسیستم (چرخه‌های طبیعی) می‌رسد، همگی از آثار منفی مربوط به اکوتوریسم هستند. آنها معتقدند که اکوتوریسم در رأس همه اولویت‌های خود بایستی حساسیت مردم را در مورد

دارد<sup>[۶]</sup>، سوال مهم این است که چه کسی می‌تواند در طبقه‌بندی اکوتوریست‌ها واقع شود؟ با وجود اطلاعات آماری با ارزش و اندکی که در این زمینه منتشر شده به نظر می‌رسد که به‌طور تخمینی بیش از پنج میلیون اکوتوریست در جهان وجود داشته باشد که اغلب آنها از ایالات متحده، اروپای غربی، کانادا و استرالیا هستند.

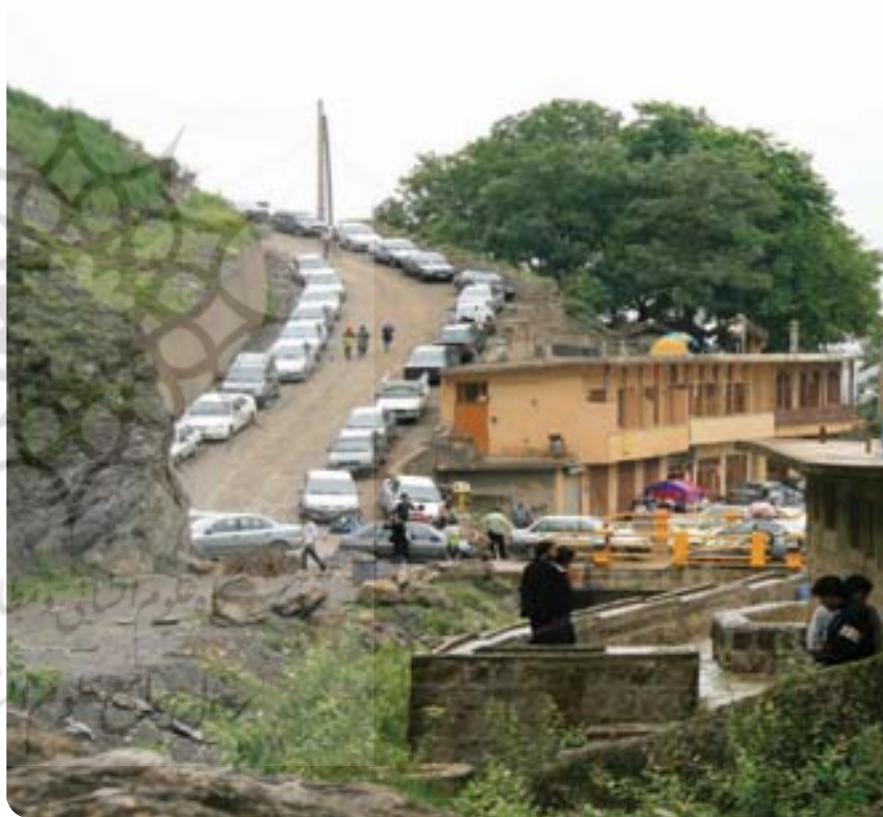
## تاریخچه اکوتوریسم:

اکوتوریسم، توریسم مسئولیت‌پذیر و توسعه پایدار همگی از مفاهیمی هستند که از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی رایج بوده‌اند و اکوتوریسم به



عنوان یکی از زیرشاخه‌های صنعت توریسم، بیشترین سرعت رشد را به شکلی بحث برانگیز همراه داشته است. اکوتوریسم در ادراک عمومی گردشگران نسبت به پیرامونشان تغییرات مهمی پدید آورد و سطح آگاهی آنها را در این مورد بیشتر کرد تا با میل و رغبت بالاتری به کاوش در محیط‌های طبیعی بپردازند.<sup>[۸]</sup>

این تغییرات در نگرش و سطح آگاهی مردم سبب شد که گردشگران طبیعت با شناخت هویت اجتماعی خود و مهارت‌های علمی‌شان منابع بزرگ غیر قابل جایگزینی چون جنگل‌های آمازون یا تپه‌های دریایی حوزه کارائیب را برای آینده‌گان به خوبی مورد حفاظت قرار دهند.<sup>[۸]</sup> و<sup>[۹]</sup> به لحاظ تأثیر بالقوه زیادی که اکوتوریسم در زمینه حفاظت از محیط طبیعی دارد، سازمان ملل متحد تصمیم گرفت که سال ۲۰۰۲ میلادی را به عنوان سال بین‌المللی اکوتوریسم اعلام کند.



### انتقادات وارد بر تعاریف مربوط به اکوتوریسم:

برای درک بهتر مشکلات مربوط به اکوتوریسم و مواجه شدن با آنها باید تعاریف مشخصی ارائه گردد تا معلوم شود که چه چیزی اکوتوریسم هست یا چه فعالیت‌هایی جزو اکوتوریسم نمی‌باشد! در تعریف اکوتوریسم ایده‌آل باید تمام معیارهایی که در بالا اشاره کردیم کاملاً برآورده شود یعنی حفظ تنوع بیولوژیکی و تنوع فرهنگی از طریق محافظت اکوسیستم‌ها، بهبود برداشت پایدار از تنوع زیستی و...<sup>[۳۶]</sup> با رعایت این ضوابط و معیارها منافع طولانی مدت و مشترکی نصیب محیط زیست و اجتماعات بومی خواهد شد<sup>[۳۷]</sup> البته در مورد تعاریف فعالیت‌های اکوتوریسم به عنوان شاخه‌ای از توریسم معمول،

همواره این بحث وجود دارد که حد و حریم مربوط به معیارهای ذکر شده کجاست؟ یعنی چه نوع محافظتی از تنوع زیستی و چه اندازه از سود اقتصادی مشترک و چه اندازه تأثیرهای جانبی زیست محیطی در تعریف یک فعالیت اکوتوریستی باید مد نظر قرار بگیرد؟

به همین دلیل طرفداران محیط زیست و گروه‌هایی با علایق ویژه از طبیعت و برخی دولت‌ها، اکوتوریسم را به شکل دیگری تعریف می‌کنند. مجموعه‌های زیست محیطی معتقدند که اکوتوریسم می‌بایست بر اساس آموزش‌هایی باشد که مدیریت برداشت پایدار از طبیعت و حفظ و نگهداری از منابع طبیعی را تضمین کرده و اساس تمام فعالیت‌های آن بر مبنای یک هدف متعالی یعنی تطبیق با اصول حفظ جاذبه‌های طبیعی باشد<sup>[۹]</sup> و<sup>[۱۰]</sup> با وجود این، صنعت توریسم و دولت‌ها، بیشتر روی جنبه تولیدی فعالیت‌های اکوتوریستی تمرکز می‌کنند یعنی معتقدند که اکوتوریسم به هر نوع فعالیتی که در طبیعت به منظور تفریح انجام گیرد، اطلاق می‌شود!<sup>[۹]</sup> استفاده از برخی اصطلاحات، زیر عنوان اصلی اکوتوریسم موضوع را پیچیده‌تر می‌کند.<sup>[۱۱]</sup> توریسم طبیعت، توریسم سبز، توریسم با تأثیرات منفی کمتر، بیوتوریسم، توریسم اکولوژی مسئولیت‌پذیر، و برخی دیگر از واژه‌ها که در بازاریابی و ادبیات آن کاربرد دارند و لزوماً مترادف با اکوتوریسم نیستند.<sup>[۱۲]</sup> مشکلات مربوط به تعریف اکوتوریسم در بین جامعه آکادمیست‌ها و توریست‌ها به یک اندازه موجب سردرگمی شده است! از طرفی این مشکلات در بین عموم، مباحثات زیادی را در مورد پدیده **greenwashing** (سبز شویی!) برانگیخته است. پدیده‌ای که به تدریج با تجاری کردن طرح‌ها و فعالیت‌های توریستی، مبنای طبیعی بودن، برداشت پایدار و تطبیق با معیارهای طبیعی را به نوعی کنار گذاشته و آثار زیان‌باری به جا می‌گذارد. واژه **greenwashing** به تازگی در دهه اخیر و میان حامیان محیط زیست رواج پیدا کرده است ولی در کشورمان هنوز در نشریات و رسانه‌ها مطرح نشده و لذا معادل فارسی مناسبی برای آن وجود ندارد. شاید بتوانیم آن را پدیده سبز شویی بنامیم. نوعی کلاه گذاشتن بشر بر سر خویش و به نوعی ماله‌کشی کردن و پوشش آثار زیان‌بار و منفی تحت عناوین فریبنده‌ای چون دوست طبیعت یا دوستدار طبیعت بودن!<sup>[۱۳]</sup> (نگارنده)

به گفته McLaren<sup>[۱۴]</sup>، این طرح‌ها در بدترین حالت، از لحاظ زیست محیطی مخرب، به لحاظ اقتصادی، انتفاعی و در ابعاد فرهنگی، کسالت‌بار هستند! از لحاظ اخلاقی هم این فعالیت‌ها، ناموزون و مغشوش هستند چرا که توریست‌ها را گمراه می‌کند و انتظارات واقعی آنها را در ارتباط با محیط طبیعی پیرامونشان منحرف کرده به بیراهه می‌کشند. با وجود تمام مخالفت‌های انجام گرفته، پدیده سبز شویی بدون وقفه در حال گسترش است. یکی از نمونه‌های بارز این فعالیت‌ها در یکی از پارک‌های حیات وحش مکزیکو به نام (Roo Quintaa)، مشاهده می‌شود که نه تنها سبب شده قبیله بزرگ محلی میان‌ها دچار دردهای جابجایی شوند بلکه گونه‌های زیادی از جانوران کمیاب و در معرض خطر را برای بازدید توریست‌ها و ایجاد جاذبه بیشتر به طور غیر قانونی، به اسارت گرفته است. توسعه و موفقیت چنین طرح‌هایی (که از لحاظ بیولوژیکی غیر پایدار بوده و

انرژی مصرفی آنها بالاست)، به دلیل سودهای چشمگیری است که در پوشش ظاهری اکوتوریسم حاصل می‌شود!<sup>[۱۱]</sup>

### اثرات اجتماعی منفی حاصل از اکوتوریسم:

اکوتوریسم در میان کشورهای مختلف همواره به سمت تجاری شدن حرکت می‌کند و این گرایش‌های تجاری در بین بخش‌های مختلف از صنعت توریسم بیشترین سرعت را داشته و رشد آن در سطح جهانی، سالیانه (۱۰-۱۵ درصد) می‌باشد. (amuario, ۲۰۰۷). اکوتوریسم به طور رسمی اولین بار در سال ۱۹۵۰ میلادی در آفریقا معرفی شد، جایی که اجازه شکار قانونی برای شکارچیان صادر شد. (Kamuaro, ۲۰۰۷) نیاز برای شکارهای ورزشی و ایجاد شکارگاه‌ها، منجر به پدید آمدن مناطق حفاظت شده، پارک‌های ملی و شکارگاه‌های اختصاصی شد. امروزه با ایجاد کلبه‌ها و کمپ‌های مناسب برای توریست‌ها این مناطق، به مهم‌ترین منابع در آمد برای سرمایه‌گذاران و افراد محلی تبدیل شده‌اند.

یکی از تعاریف اصلی اکوتوریسم، تمرین کردن سفرهایی است که آثار منفی و زیان بار کمتری داشته و به لحاظ آموزشی، اکولوژیکی و فرهنگی پر اهمیت و تأثیرگذار باشند و بتوانند هم جوامع محلی و هم کشور میزبان را از عایدات حاصله منتفع کنند. (Honey, ۱۹۹۹) بسیاری از پروژه‌های اکوتوریسم در حال حاضر این استانداردها را برآورده نمی‌کنند. حتی اگر بسیاری از راه‌کارها به طور قانونی به اجرا گذارده شود باز هم جوامع محلی با مشکلات و آثار منفی دیگری مواجه خواهند شد. آفریقای جنوبی یکی از کشورهایی است که منافع اقتصادی بسیار زیاد و چشمگیری را همه ساله از صنعت اکوتوریسم عاید خود می‌کند اما آثار منفی آن از قبیل جابجایی فیزیکی افراد محلی، تجاوز به حریم حقوق بنیادی و اقتصادی محلی‌ها و زیان‌های زیست محیطی هم‌چنان در حال افزایش است.

(Kamuaro, ۲۰۰۷) مقادیر زیادی پول صرف نیروهای انسانی می‌شود تا چرخ اکوتوریسم علیرغم داستان‌های موفقیت‌آمیز کم‌رنگ و کوتاه‌مدت هم‌چنان در گردش باشد و حتی پول‌های بیشتری صرف می‌شود تا در جدال مستقیم با منتقدان، تأثیر ایرادها و انتقادهای آن‌ها کم اثر گردد! پولی که از راه توریسم حاصل می‌شود می‌تواند مدیریت مناطق حفاظت شده و پارک‌ها را در اختیار اکوتوریسم قرار بدهد. (al et Walpole, ۲۰۰۱) اما در این ارتباط یک تنش وجود دارد، زیرا اکوتوریسم اغلب موجب تغییراتی در حقوق کاربری زمین‌ها شده و با بسیاری از تعهدات مربوط به تقسیم منافع و عایدات حاصله در تعارض قرار می‌گیرد و به علاوه موجب صدمه دیدن محیط‌های طبیعی و بروز بسیاری از عوارض منفی اجتماعی می‌شود! در واقع خیلی‌ها به طور مکرر استدلال کرده‌اند که اکوتوریسم نه تنها از لحاظ اکولوژیکی (بوم شناختی) زیان‌آور است، بلکه از نظر اجتماعی هم سودآور نیست! با وجود این در بسیاری از کشورها کارشناسان اصرار دارند که آن را به عنوان یک استراتژی به منظور حفظ و توسعه جاذبه‌های طبیعی قلمداد کنند! (west, ۲۰۰۶) مطالعات بسیاری تاکنون انجام گرفته تا راه‌های بهتر شدن ساختار اکوتوریسم بررسی گردد. با وجود این مثال‌های ذکر شده در این مجال نشان می‌دهد که خیلی از این فعالیت‌ها بهتر است، برای همیشه متوقف شوند! در تعارض بودن با محیط طبیعی، تأثیر بر افراد محلی و تقسیم نابرابر سودهای حاصله تنها بخشی از تأثیرات منفی اکوتوریسم است. در یک دنیای کامل و بی‌نقص، تلاش‌های بیشتری برای آموزش توریست‌ها باید انجام گیرد تا تأثیرات منفی اجتماعی و محیطی مربوط به سفرهایشان را به خوبی بشناسند. این آموزش برای جلوگیری از گسترش فعالیت‌ها و پروژه‌های اکوتوریستی ناپایدار ضروری است تا نهایتاً از ظاهر شدن چهره‌های کاذب از محیط‌های طبیعی در ذهن گردشگران جلوگیری شده و فرهنگ‌های بومی و محلی نیز تحقیر نشوند!

### اثرات مستقیم محیطی:

فعالیت‌های اکوتوریسم به طور مشخص و بارز از برآورد کردن ایده‌آل‌های مربوط به اهداف حفاظت از محیط طبیعی ناتوان است. اصولاً چشم‌انداز اکوتوریسم به عنوان مرکزی از فعالیت‌های پر مصرف، در

نظر گرفته شده و به همین سبب موضوع حفاظت از محیط طبیعی تنها ابزاری برای رشد بیشتر اقتصاد به حساب می‌آید.<sup>[۶]</sup> اگر چه اکوتوریسم برای گروه‌های کوچک گردشگری در نظر گرفته شده اما با افزایش نسبتاً اندک جمعیتی فشار مضاعفی بر محیط طبیعی وارد می‌شود و این مستلزم توسعه‌ی زیربنایی بیشتر و ایجاد سازگاری‌های جدیدتر با محیط اطراف خواهد بود. تأسیسات ساختاری برای بهره‌برداری از آب‌های محیطی، تأسیسات فاضلاب و کلبه‌های کمپینگ همراه با بهره‌برداری از منابع انرژی تجدید نشدنی و استفاده بی‌رویه از منابع محدوده شده بومی همگی از اثرات منفی مستقیمی است که بر محیط اطراف وارد می‌شود.<sup>[۸]</sup> تبدیل زمین‌های طبیعی به ساختارهای زیربنایی توریستی و در نتیجه جنگل‌زدایی و نابودی زیستگاه‌ها سبب شد که محل سکونت پروانه‌های وحشی در مکزیکو و میمون‌های کمیاب

در کاستاریکا از بین برود.<sup>[۴]</sup> در خیلی از جاها به دلیل عدم توانایی افراد محلی در تأسیس ساختارهای زیربنایی مربوط به اکوتوریسم صدمات زیادی به محیط وارد شده است. مثلاً در بسیاری از پارک‌های آفریقای شرقی عدم وجود تأسیسات فاضلاب سبب زیاده‌تر شدن فاضلاب‌ها و پس مانده‌های مناطق کمپی شده و ورود این پس‌آب‌ها و ضایعات به رودخانه‌ها، خطرانی جدی را در زمینه آلودگی حیات وحش، چارپایان اهلی و مردمی که از این آب‌ها استفاده می‌کنند، به بار آورده است.<sup>[۶]</sup> در کنار آلودگی‌های محیطی و تأثیرات منفی ناشی از زیرساخت‌های توریستی، جمعیت اکوتوریسم به اقتضای سبک زندگی غربی اثرات

منفی دیگری را هم بر محیط به جای می‌گذارد مثل رها شدن زباله در محیط و آلودگی‌های ناشی از حضور توریست‌ها در محل. اگر چه اکوتوریست‌ها ادعا می‌کنند که به لحاظ آموزشی افراد خبره‌ای بوده و علاقمند به مسائل محیطی هستند اما اغلب آن‌ها به ندرت می‌توانند نتایج اکولوژیکی ناشی از فعالیت‌های روزمره و بازدیدهایشان را از محیط اطراف که منجر به تأثیرات فیزیکی منفی می‌شود، درک کنند! مصرف مواد غذایی، آب و دفع فضولات انسانی به عنوان بخشی از سیستم اکولوژیکی و اقتصادی در کنار فعالیت‌های زیادی که انجام می‌گیرد، به ندرت از سوی اکوتوریست‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد.<sup>[۸]</sup> به علاوه اکوتوریست‌ها کمتر واقفند که چه اندازه از انرژی‌های تجدید نشدنی بایستی مصرف شود تا آنها بتوانند خود را به مقصد برسانند و البته اکثر این مقصدها از حد متعارف بسیار دورتر هستند. به عنوان مثال یک سفر خارجی به محلی که ۱۰۰۰۰ کیلومتر دورتر از خانه باشد نیاز به مصرف ۷۰۰ لیتر سوخت برای هر کدام از اکوتوریست‌ها خواهد داشت.<sup>[۱۲]</sup> فعالیت‌های اکوتوریسم ذاتاً، تأثیرات و پیامدهای زیادی بر محیط به جا می‌گذارد چرا که این فعالیت‌ها مستقیماً گیاهان و جانوران یک اقلیم را مورد مزاحمت قرار می‌دهد. اکوتوریست‌ها معتقدند که آنها صرفاً به عکس گرفتن و مشاهده یک محیط طبیعی پرداخته و ردپایی به جا نمی‌گذارند و لذا سایت‌های اکوتوریستی را دست نخورده و سالم نگه می‌دارند، در حالی که حتی کوچکترین فعالیت‌های به ظاهر بی‌خطر مثل کوه‌گشت و گردش معمولی در

**برای درک بهتر مشکلات مربوط به اکوتوریسم و مواجه شدن با آنها باید تعریف مشخصی ارائه گردد تا معلوم شود که چه چیزی اکوتوریسم هست یا چه فعالیت‌هایی جزو اکوتوریسم نمی‌باشد!**



اکثر آنها سودهای حاصله را به جیب سرمایه‌گذاران اصلی روانه کرده و افراد محلی را به مقدار ناچیزی منتفع می‌کنند! در نتیجه سود بدست آمده به جای آنکه صرف سرمایه‌گذاری مجدد در مناطق حفاظت شده شود، مستقیماً به کمپانی‌های سرمایه‌گذار تعلق می‌گیرد. افراد بومی که به استخدام سرمایه‌گذاران در می‌آیند، اکثراً به دلیل حقوق پایین و سیستم بازارهای دوگانه قادر به زندگی در مناطق توریست‌پذیر نیستند! [۸] در خیلی جاها کینه و رنجش افراد بومی نتایج تخریب‌کننده‌ای را برای محیط به بار می‌آورد! یکی از بارزترین نمونه‌های آن مربوط به اقوام صحرائشین بدوی معروف به ماسایی‌ها در کنیا می‌شود

طبیعت می‌تواند اثرات اکولوژیکی مضرى به جا گذارد. در جاهایی که فعالیت‌های اکوتوریستی در برگیرنده تماشای حیات وحش شود، رم کردن حیوانات وحشی، مختل شدن تغذیه و لانه‌سازی تنها بخشی از اثرات منفی این فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد. [۱۰] مثلاً در کنیا حضور توریست‌های بازدیدکننده سبب خارج شدن یوزها از محیط حفاظت شده آنها شده و این موضوع در زاد و ولد این گونه کمیاب و در معرض خطر اختلالاتی جدی ایجاد می‌کند. [۴]

### خطرات محیطی:

همان طور که می‌دانیم تنوع زیستی و زمین‌های دست نخورده از محیط طبیعی، پایه و اساس ثبات اکولوژیکی را به وجود می‌آورد. متأسفانه صنعتی‌سازی، ایجاد محیط شهری و فعالیت‌های ناپایدار کشاورزی، همگی تأثیرات جدی و زیادی بر محیط دارند. اکوتوریسم هم در این مقوله تأثیرات منفی



که برای نشان دادن خشم خود از آواره شدن و ترک سرزمین‌های سنتی و محل سکونت‌شان، دست به اقدام تلافی‌جویانه زده و تعداد بسیار زیادی از گونه‌های حیات وحش را در پارک‌های ملی شکار کردند! [۱۲] کمبود امکانات اقتصادی سبب بهره‌برداری بیشتر افراد بومی از محیط و تخریب بیشتر منابع می‌شود. و از طرفی با گسترش جمعیت اکوتوریست‌ها، موضوع بهره‌برداری تجاری از تحفه‌ها و یادگارهای حیات وحش نیز جنبه‌ای جدی‌تر پیدا می‌کند. برداشت گونه‌های گیاهی بی‌نظیر از جزایر استوایی و تجارت اجزای بدن برخی از حیوانات در آسیا و آفریقا (کرگدن، خرس، فیل و...) سبب شده که برداشت‌های غیر قانونی از محیط طبیعی افزایش یابد. به عنوان مثال در سورینام بودجه سنگینی برای حفاظت از لاک‌پشت‌های دریایی کمیاب در نظر گرفته شده تا جلوی برداشت‌های بی‌رویه و غیرقانونی گرفته شود.

فرسایشی خاص خود را دارد. اگر چه واژه اکوتوریسم در ظاهر لطیف و زیبا به نظر می‌رسد اما در وخیم‌ترین حالت، اثرات منفی آن به صورت زوال و مصرف قلمروها و اقلیم‌های بکر ظاهر خواهد شد. (Kamuro, ۲۰۰۷) این تغییرات می‌تواند به صورت جنگل‌زدایی، اختلال در سیستم حیات اکولوژیکی و انواع مختلفی از آلودگی‌ها ظاهر شود که همه آنها در تخریب و از هم پاشیدگی محیط طبیعی نقش دارند. افزایش تعداد خودروهایی که توریست‌ها را در محیط پارک طبیعی جابه‌جا می‌کند و زیاد شدن تعداد راه‌ها و جاده‌ها پوشش گیاهی مورد نیاز برای گونه‌های جانوری را تخریب می‌کند. در ضمن این جاده‌ها اکثراً به مناطق دست نخورده و دور دست منتهی می‌شوند که گونه‌های کمیاب و متوحش را مضطرب می‌کند و مزاحمت‌های زیادی برای حیات وحش در این مناطق بوجود می‌آورد. به هر حال تولید هر گونه منبع درآمدی از اکوتوریسم مستلزم ترافیک وسایل نقلیه موتوری بیشتر و ازدحام توریست‌ها در محل خواهد بود که این خود، به طور اجتناب‌ناپذیر مقدار فشار بر محیط را افزایش خواهد داد.

### افراد محلی (بومی):

بیشتر فعالیت‌های اکوتوریسم از محل سرمایه‌گذاری‌های خارجی و کمپانی‌هایی شکل می‌گیرد که

### جابه‌جایی افراد بومی:

مصرف زیاد سوخت و بر پا کردن آتش، استفاده از راه‌های فرعی و جاده‌ها و به کارگیری وسایل نقلیه، تغییرات عمده‌ای را در شکل زندگی افراد محلی ایجاد کرده و نهایتاً دگرگونی‌های بسیاری را در فرهنگ‌های بومی پدید می‌آورد.

### عدم مدیریت صحیح سایت‌های اکوتوریسم:

با آنکه دولت‌ها، به طور نوعی موظفند اداره و مراقبت از محیط‌های طبیعی را به عهده گرفته و مسئولیت حفاظت از آن‌ها را به اجرا گذارند، اما غالباً در مدیریت مؤثر سایت‌های اکوتوریسم ناتوان بوده و به تعهدات خود عمل نمی‌کنند. اصول مدیریت اجرایی مربوطه

یکی از بهترین مثال‌های مربوط به آوارگی جوامع بومی به منظور احداث پارک، داستان اقوام ماسایی در آفریقا است. حدود ۷۰ درصد از پارک‌های ملی و مناطق حفاظت شده در آفریقای شرقی، درست در جایی واقع شده که سرزمین اصلی ماسایی‌ها بوده است. اولین اثر منفی اکوتوریسم در شرق آفریقا، تا اندازه‌ای وسیع بود که سبب نابودی فرهنگ ماسایی‌ها شد. در عین حال ماسایی‌ها از گسترش اکوتوریسم در سرزمین‌های مادری‌شان منفعت اقتصادی خوبی بدست نیاوردند و دولت خدمات چشمگیر اقتصادی در اختیار آنها قرار نداد. کمپانی‌های توریستی نیز به جای استفاده از افراد محلی به دنبال راهنمایان تحصیل کرده و غیر بومی بودند. دولت‌های مسئول به جای آنکه اقوام بدوی و محلی را تقویت کرده و از لحاظ مادی تأمین کنند از تمام پتانسیل‌های آنها بهره‌برداری می‌کنند و



به حفاظت محیطی، اغلب به صورت ناواضح و گنگ تعریف شده و به سختی اجرا می‌شود و عملکرد یا تاثیرات آن نیز نامشخص است.<sup>[۱۴]</sup> آژانس‌های مجری دولتی به عنوان بدنه‌های سیاسی، در تصمیم‌گیری‌هایی مشارکت می‌کنند که بودجه‌ها را بیشتر برای منافع سیاسی مصرف کرده ولی به لحاظ پروژه‌های محیطی، تولیدات خاصی را فراهم نمی‌آورند! ضمناً گروه‌های ذی‌نفع و برخی افراد در برخی پروژه‌ها و اهداف دولتی به نفع خود اعمال نفوذ می‌کنند. مدیریت سایت‌های اکوتوریسم بوسیله کمپانی‌های خصوصی نوعی آلترناتیو برای فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی است که توسط شرکت‌های دولتی انجام می‌گیرد. اعتقاد بر این است که این کمپانی‌ها خودخواهانه به تخریب محیط‌های طبیعی محدودی علاقه دارند که توریست‌ها بابت این محیط‌های دست نخورده، حاضرند پول و منافع بیشتری بپردازند! با وجود این تئوری‌های موجود نشان می‌دهد که فعالیت این کمپانی‌ها به لحاظ اقتصادی هم، چندان مقرون به صرفه

سبب تهی شدن داشته‌های فرهنگی و مادی آنها می‌گردند، درست مثل همان اتفاقی که برای اقوام ماسایی رخ داد. برای برداشت پایدار و کم کردن آثار منفی ناشی از آن بهتر است که جوامع بومی مورد حمایت کافی قرار گرفته و از رنجش خاطر و آوارگی آن‌ها جلوگیری شود.

### تهدید فرهنگ‌های بومی:

غالباً ادعا می‌شود که اکوتوریسم فرهنگ‌های بومی را حفظ کرده و آنها را ارتقا می‌دهد با وجود این، شواهد حاکی است که با تأسیس مناطق حفاظت شده، اغلب مردم محلی خانه‌هایشان را از دست می‌دهند و هیچ کاری برای جبران خسارات وارد شده به آنها انجام نمی‌گیرد. حتی اگر میزان سوددهی مناسبی به طور مستقیم در اختیار اقوام محلی قرار داده شود، فشارهای متعددی به تدریج بر این افراد وارد شده و آنها را به حاشیه اراضی حفاظت شده با آب و هوای نامناسب رانده و کمبود آب، خاک‌های نامناسب برای کشاورزی و بیماری احشام، همگی سبب محرومیت رفاهی و تأثیرپذیری از روند گسترش اکوتوریسم می‌شود. اقوام بومی تلاش می‌کنند که به بقای فرهنگی خود در کنار آزادی‌های سنتی‌شان ادامه دهند و در عین حال در معرض بازدید گردشگران بیگانه قرار گیرند! ارتباط و تماشای نزدیک فرهنگ‌های بومی که به شدت تأثیرپذیر و شکننده هستند و در مقابل تغییرات، توان مقاومت ندارند، سبب نوعی تخریب و زوال تدریجی در فرهنگ‌های بومی خواهد شد. ساخت کلبه‌های بسیار،

نموده و بیشتر خسارت‌های مالی، به دنبال دارد.

### ارتقا و بهبود در برداشت پایدار اعتبارگذاری و ضوابط مربوطه:

از آنجا که قواعد و نظام نام‌های مربوط به اکوتوریسم یا ناچیز است یا اصلاً وجود خارجی ندارد لذا اکثر فعالیت‌های بزرگ اکوتوریستی مثل ساخت هتل‌های زیر آب! تورهای هلیکوپتر، پارک‌های حیات وحش در کنار رشته‌های دیگر چون ورزش‌های آبی و قایقرانی، کمپینگ، عکاسی و مشاهده حیات وحش، جزو عملیات مخرب اکولوژیکی محسوب شده و کاملاً [greenwashing] هستند! عدم توجه کافی به ضوابط مربوط به عملیات (اکوتوریسم با اثرات منفی کمتر)، سبب می‌شود که کمپانی‌های ذیربط در رقابتی نزدیک و مخرب با یکدیگر درگیر شوند. بسیاری از طرفداران محیط زیست معتقدند که بایستی یک سری معیارهای استاندارد و جهانی برای تفکیک سطوح فعالیت کمپانی‌ها و میزان تعهدشان به مسائل محیطی، تبیین شود و در کنار آن هیاتی ملی یا بین‌المللی جهت پیشبرد فرایند اعتبارگذاری بوجود آید که در هیأت مذکور نمایندگی‌هایی از گروه‌های مختلف چون مدیران دولتی، هتل‌ها، گردانندگان تورها، آژانس‌های مسافرتی، راهنمایان، خطوط پروازهای هوایی، مسئولین محلی، ارگان‌های محافظتی و ارگان‌های غیر دولتی نیز وجود داشته باشد.<sup>[۱۶]</sup> به پیشنهاد <sup>[۱۷]</sup> crinion بهتر است که کمپانی‌های اکوتوریستی بر اساس یک برنامه مشخص که تعیین کننده درجه سبز بودن آن‌هاست، اعتبارگذاری شوند و این برنامه بتواند کمپانی‌ها مورد نظر را به لحاظ میزان سوددهی، مدیریت، تاثیرگذاری متقابل گروه‌های کوچک، ارزش‌های تحصیلی و آموزشی اعضا و کارمندان مورد ارزیابی قرار بدهند. اکوتوریست‌هایی که گزینه‌های خود را ملاحظه می‌کنند با در نظر گرفتن درجه سبز بودن کمپانی‌ها می‌توانند گزینه‌ای را انتخاب کنند که با داشتن ستاره‌های (سبز رنگ) بیشتر، تجربه اکوتوریستی عینی‌تری را برای گردشگران به همراه داشته باشد.

### - راهنماها و اکوتوریست‌های تحصیل کرده:

یک برنامه راهبردی برای مقاصد حفظ محیط زیست بایستی ترتیب داده شود تا کارهای اکوتوریست‌ها و اثرات آنها بر محیط تحت نظر قرار گیرد. ابتکار عمل‌های بیشتری در این راه باید اعمال شود تا سطح آگاهی اکوتوریست‌ها نسبت به محیط بازدید شده و میزان حساسیت آنها به مسائل محیطی و مراقبت از پیرامونشان ارتقا پیدا کند.<sup>[۱۸]</sup> راهنمایان تورها، عینی‌ترین و نزدیک‌ترین واسط ارتباطی بین طبیعت و اکوتوریست‌ها هستند. اکوتوریست‌ها با اطمینان بالایی که به راهنمایان خود و دانش محیطی آن‌ها دارند، می‌توانند در حفظ منابع طبیعی نقش فعال‌تری را اعمال کنند.

### اکوتوریسم محلی بر مبنای ظرفیت‌های کوچک و رشد آهسته‌تر:

تئوری عقب مانده‌ای از توریسم وجود دارد که شکلی جدید از سلطه شرکت‌های چند ملیتی را برای کنترل منابع اکوتوریسم توصیف می‌کند! بر اساس این تئوری شرکت‌های مزبور بر منابع اکوتوریسم سرمایه‌گذاری کرده و میزان این سرمایه‌گذاری و سود حاصله به قدری است که به شدت موجب تخریب و زوال منابع محیطی می‌شود، فرهنگ‌های محلی و سنتی را تغییر داده و نابود می‌کند و نهایتاً نوعی بهره‌برداری استعماری از نیروی کارگری محلی را در پی خواهد داشت، به عنوان مثال در زیمبابوه و نیپال (منطقه آنپورنا) که موضوع توسعه یافتگی هنوز جا نیفتاده، بیش از ۹۰ درصد درآمدهای حاصله از اکوتوریسم به کشورهای سرمایه‌گذار روانه شده و کمتر از ۵ درصد از سود حاصله به جوامع محلی تعلق می‌گیرد.<sup>[۱۸]</sup> عدم برداشت پایدار و عدم ثبات این نوع از فعالیت‌ها میزان (اهمیت محلی بودن - کوچک بودن - کم ظرفیت بودن و رشد آهسته‌تر این فعالیت‌های اکوتوریستی) را مشخص می‌کند. افراد محلی اصولاً علایق بیشتری نسبت به محیط بومی و جوامع خود داشته و لذا مسئولیت‌پذیری بیشتری در قبال حفظ محیط اطراف خود (در مقایسه با شرکت‌های چند ملیتی) خواهند داشت. فعالیت‌های اکوتوریستی وسیع و خیلی حجیم با اینکه منافع مادی بیشتری به دنبال دارند، ولی سبب کاهش میزان کنترل بر محیط شده، تاثیرات منفی محیطی را بدتر می‌کنند و فرهنگ محلی و سنت‌ها را نابود کرده و یا عوض می‌کنند و به سمت غربی‌سازی پیش می‌برند. افزایش میزان مشارکت‌ها با جوامع محلی و مدیریت اکوتوریسم بر مبنای نیروهای بومی سبب ایجاد فرصت‌های بیشتری جهت فعالیت‌های اقتصادی پایدار و پر دوام می‌شود و در عین حال نتایج منفی حاصله از فقر

و بیکاری افراد محلی را کاهش می‌دهد.

### References

- Randall, A. (1987). Resource economics, Second Edition. New York, USA: John Wiley and Sons.
- Tuohino, A., and A. Hynonen (2001). Ecotourism - imagery and reality. Reflections on concepts and practices in Finnish rural tourism. Nordia Geographical Publications, 34-21:(4)30.
- Wight, P.A. (1993). Ecotourism: Ethics or Eco-sell. Journal of Travel Research, 9-3:(3)31.
- Isaacs, J.C. (2000). The limited potential of ecotourism to contribute to wildlife conservation. The Ecologist, 69-61:(1)28.
- Eadington, W.R., and V.L. Smith (1992). The emergence of alternative forms of tourism, in Tourism Alternatives: Potentials and Problems in the Development of Tourism. Pennsylvania, USA: University of Pennsylvania Press.
- Kamauro, O. (1996). Ecotourism: Suicide or Development? - Voices from Africa 6#: Sustainable Development, UN Non Governmental Liaison Service. United Nations News Service.
- Crinion, D. (1998). South Australian tourism strategy and the role of ecotourism. Adelaide, Australia: Down to Earth planning for an out-of-the-ordinary industry, presented at the South Australian Ecotourism Forum.
- Vivanco, L. (2002). Ecotourism, Paradise lost - A Thai case study. The Ecologist, 30-28:(2)32.
- Buckley, R. (1994). Research Note, a framework for ecotourism. - Annals of Tourism Research, 669-661:(3)21.
- McLaren, D. (1998). Rethinking tourism and ecotravel: the paving of paradise and what you can do to stop it. West Hartford, Connecticut, USA: Kamarian Press.
- Barkin, D. (2002). Ecotourism for sustainable regional development. Current Issues in Tourism, 253-245:(4)35.
- Mellgren, Doug (16-05-2007). Travel Experts See Worrisome Downside to Ecotourism. Associated Press. Retrieved on 21-05-2007.
- Cater, E. (1994). in Cater, E., and G. Lowman: Ecotourism in the Third World - Problems and Prospects for Sustainability in: Ecotourism, a sustainable option?. United Kingdom: John Wiley and Sons.
- Baumol, W.J., and W.E. Oates (1977). Economics, environmental policy, and quality of life. - Englewood Cliffs, New Jersey, USA: Prentice Hall.
- Hardin, G. (1968). The tragedy of the commons. Science, 1248-162:1243.
- Elper-Wood, M. (1998). Ecotourism at a Crossroads: charting the way forward. Nairobi, Kenya: The final report from the Conference of Ecotourism at the Crossroads.
- Jacobson, S.K., and R. Robles (1998). Ecotourism, sustainable development, and conservation education: development of a tour guide training program in Tortuguero, Costa Rica. Environmental Management, 713-701:(6)16.
- Ziffer, K. (1989). Ecotourism: the uneasy alliance. Conservation International/ Ernst and Young